از سوی علامه سید محمدحسین طباطبایی رحمه‌الله صورت گرفت

افتتاح حساب مشترک برای کمک به مردم مظلوم فلسطین

علامه سید محمدحسین طباطبایی رحمه‌الله به‌خاطر بُعد علمی‌اش، نسبت به دیگر مراجع دور از سیاست بود و بیشتر به مسائل علمی، فلسفی و قرآنی اشتغال داشت. با این وجود، در برخی مواقع به مسائل سیاسی نیز توجه نشان می‌داد.[۱] علامه نسبت به مسئله اسرائیل توجه ویژه داشت. او اسرائیل را رژیمی نامشروع و غاصب می‌دانست و در جایی در رابطه با تجهیز رژیم صهیونیستی توسط انگلیس، فرانسه و آمریکا نوشته است: «بخش کوچکی از فلسطین یک بندر دریایی و پایگاه نظامی برای دول معظمه انگلیس و فرانسه و آمریکا می‌باشد و دولت پوشالی و دست‌نشانده‌ای به‌نام دولت اسرائیل در آنجا حکومت می‌کند و در این مدت کوتاه، هرچه توانسته‌اند، به تقویت و تجهیزش پرداخته‌اند و با تمام نیرو نگذاشته‌اند که دول اسلامی علیه ایشان متحد شوند.[۲]

علامه طباطبایی در سال ۱۳۴۹، درست در دوره‌ای که روابط تنگاتنگ اسرائیل و رژیم پهلوی بر همگان هویدا بود، به‌طور علنی جانبداری از ملت فلسطین را پیشه خود ساخت. مرحوم استاد سیدهادی خسروشاهی در این رابطه می‌گوید: «علاوه بر مسائل داخلی، علامه طباطبایی در مسائل مهم دنیای اسلام هم به‌نحوی اظهارنظر و یا ادای تکلیف می‌کردند که یکی از آن موارد، مسئله فلسطین بود که ایشان همراه با آیت‌الله سیدابوالفضل زنجانی و شهید آیت‌الله مرتضی مطهری رحمه‌الله با افتتاح حساب مشترک در چند بانک تهران، برای کمک‌رسانی به مردم فلسطین اقدام لازم را به‌عمل آوردند که در آن شرایط حساس، این عمل احساس مسئولیت ویژه‌ای را نشان می‌دهد.[۳]

در بهار و تابستان سال ۱۳۴۹، به‌سرعت نسخه‌هایی از یک اعلامیه که در طلیعه آن حدیث نبوی «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ؛ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»[۴] نقش بسته بود، بین مردم توزیع شد که در آن، شماره حساب‌هایی به‌منظور کمک به مجاهدان فلسطینی به مردم معرفی شده بود.[۵] این اعلامیه‌ها با امضای آیات سید محمدحسین طباطبایی، مرتضی مطهری و سیدابوالفضل موسوی زنجانی رحمهم‌الله در بازار، مساجد، هیأت‌ها و دانشگاه‌ها توزیع می‌شد و همزمان روحانیون انقلابی در منابر از مردم دعوت می‌کردند تا از طریق شماره حساب‌های مندرج در آن، به مردم فلسطین کمک کنند.

با فراگیر شدن این اعلامیه، ساواک طی گزارشی دیگر در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۹، با اشاره به افتتاح حساب مزبور درخواست کرد: صاحبان آن حساب‌ها «به‌طور غیرمحسوس» شناسایی شوند.[۶] یکی از گزارشگران ساواک از احتمال ارسال این کمک‌ها «به‌طور پنهانی» برای «آوارگان فلسطینی» خبر داد.[۷] ساواک سه روحانی را احضار کرد؛ اما هیچ‌یک از این سه بزرگوار به این موضوع تن ندادند و به دفتر ساواک مراجعت نکردند. ساواک که به‌خاطر موقعیت و جایگاه علامه طباطبایی رحمه‌الله قادر به فشار بیش از این نبود، موفق نشد، جلوی فعالیت‌های ضد صهیونیستی او را در این برهه سد کند.[۸]

• پی‌نوشت‌ها

۱. برای آشنایی با مشی سیاسی علامه طباطبایی به مقاله: «پاسخ به شبهه‌افکنی درباره دیدگاه مرحوم علامه سید محمدحسین طباطبایی نسبت به انقلاب اسلامی» منتشرشده در همین سایت مراجعه کنید؛

۲. محمد جعفربگلو، چراغ روشنی‌بخش (جستاری بر مشی سیاسی علامه طباطبایی)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۱، ص ۶۵؛

۳. سیدهادی خسروشاهی، خاطرات مستند سیدهادی خسروشاهی درباره علامه سید محمدحسین طباطبایی، قم: کلبه شروق، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۱۴۸. همچنین بنگرید: تشکیل حساب از طرف علامه طباطبایی، شهید مطهری و آیت‌الله زنجانی رحمهم‌الله برای کمک به فلسطینیان در سال ۱۳۴۹، سایت مرکز بررسی اسناد تاریخی؛

۴. «مَنْ أَصْبَحَ لَايَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ». امام صادق علیه‌السلام: رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: کسی که صبح کند و اهمیتی به کارهای مسلمانان ندهد، او از آنان نیست و کسی که صدای مردی بشنود که فریاد کمک‌خواهی از مسلمانان را سر دهد و پاسخش را ندهد، مسلمان نیست؛

۵. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی: ۳۹، سند شماره‌ی ۹۰؛

۶. همان، سند شماره‌ی ۸۸؛

۷. سیدهادی خسروشاهی، همان، ص ۱۵۱ تا ۱۵۴؛

۸. محمد جعفربگلو، همان، ص ۷۲.

آیت‌الله العظمی سید محمدهادی میلانی رحمه‌الله

بر همه مسلمانان لازم است از هرگونه ارتباط با رژیم صهیونیستی خودداری نمایند

آیت‌الله میلانی رحمه‌الله نیز همچون سایر مراجع تقلید، نسبت به تحرکات و ظلم‌های اسرائیل مواضع تندی اتخاذ می‌کرد. به‌عنوان نمونه، در جریان جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل، ایشان با صدور مکتوبی، هرگونه معامله و ارتباط با یهودیان را تحریم کردند. در این پیام آمده بود:

بسم الله تعالی شأنه

السلام علیکم

این حادثه مؤلمه فوق‌الحد، موجب تأثر و تأسف همه مسلمین جهان شد و بر تأثر از فجایع گذشته افزوده. الی الله المتشکی والی ولیه المهدی علیه الصلوه والسلام نرفع الشکوی ـ خداوند متعال یهود را معرفی فرموده که «یسعون فی الارض فساداً»[۱] و نیز فرموده «لتجدن اشدّالنّاس عداوه للذین آمنوا الیهود»[۲] ـ و در حدیث از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است می‌فرماید: «اظهروا البرائهٔ منهم وباهتوهم لکیلا یطمعوا فی الفساد فی الاسلام»[۳] ـ بنابر این بر همه مسلمانان لازم است، از هرگونه معامله و رفتار دوستانه با اسرائیلیان خودداری نمایند و نیز لازم است، نسبت به برادران مسلمان مصیبت‌دیدگان از هر نوع مساعدت مادی و معنوی دریغ ننمایند که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «من اصبح ولم‌یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم»[۴] و بسیار مقتضی است، اقامه مجالس یادبود برای لشکریان اسلام که در این جنگ تا آخرین نفس مقاومت کردند و با کمال شهامت از حدود و ثغور کشورهای اسلامی و مسجد اقصی دفاع نمودند. البته نام نیک خود را در تاریخ ثبت نمودند. «اولئک علیهم صلوات من ربهم ورحمه».

محمدهادی الحسینی المیلانی[۵]

در پی این اعلام نظر، ساواک در ۴ تیر ۱۳۴۶ در گزارشی نوشت:

«از: مرکز

به: ساواک خراسان

اخیراً فتوکپی اظهارنظر میلانی در مورد جنگ اعراب و اسرائیل و خودداری مسلمانان از برقراری ارتباط با یهودیان که به خط خود او می‌باشد، در تهران انتشار یافته و متعاقباً جهت آن ساواک ارسال خواهد شد... مقدم»[۶]

در پی حمله اسرائیل به مسجدالاقصی در ۳۰ مرداد ۱۳۴۸، سید محمدعلی میلانی فرزند آیت‌الله میلانی رحمهم‌الله در صحن نو در حرم امام رضا علیه‌السلام، سخنرانی کرده و از طرف پدر بزرگوارش، حادثه فوق را تسلیت می‌گوید. سپس با تأکید بر اینکه «من پیام پدرم آیت‌الله میلانی را ابلاغ می‌کنم»، از طرف ایشان می‌گوید: « در این ماه اخیر دو مصیبت بزرگ بر اسلام و مسلمین وارد شده؛ یکی موضوع عراق و حوزه علمیه نجف که مراجع تقلید و طلاب در آنجا مورد هتاکی و بی‌احترامی قرار گرفته و این روزها جرائد عربی اعلام کردند که سه نفر از مراجع بزرگ شیعه باید اعدام شوند و مصیبت دوم، آتش‌سوزی مسجدالاقصی [است] که قلب پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را جریحه‌دار کرده و ما و تمام مسلمین جهان از این حادثه متأسفیم و باید همه اقدام کنند، همت کنند و مسجدالاقصی ترمیم و تعمیر شود.»[۷]

در پائیز سال ۱۳۵۲ و در پی حمله دوباره اسرائیل به کشورهای اسلامی (مصر و سوریه) آیت‌الله میلانی دید و بازدید مرسوم عید فطر را لغو کردند. ساواک در این باره گزارش داد: «روز عید فطر عده معدودی از دوستان و محارم یادشده، از وی دیدن کرده‌اند و عدم پذیرفتن عموم را به‌عنوان دید و بازدید، قبلاً میلانی اعلام کرده بود و این عمل ظاهراً برای ابراز همدردی با کشورهای عربی در حال جنگ با اسرائیل بوده است.»[۸]

• پی‌نوشت‌ها

۱. یهودیان تلاش می‌کنند، در روی زمین فساد به وجود آورند. (سوره مائده، آیه ۶۴)؛

۲. دشمن‌ترین مردم نسبت به مردم مسلمان یهود می‌باشند. (سوره مائده، آیه ۸۲)؛

۳. تنفر خود را از یهود آشکار و آنها را بایکوت نمایید، تا طمع وارد کردن نابسامانی در اسلام را از سر بیرون کنند؛

۴. آن کس که اهتمام به امور مسلمانان نداشته باشد، (نسبت به امور و سرنوشت مسلمین بی‌تفاوت باشد)، مسلمان نیست؛

۵. آیت‌الله‌العظمی سید محمدهادی میلانی رحمه‌الله به روایت اسناد ساواک، جلد سوم، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۶۵؛

۶. همان، ص ۵۸؛

۷. همان، ص ۳۰۶؛

۸. همان، ص ۵۷۷.

آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم رحمه‌الله

از بین بردن رژیم صهیونیستی از اهم واجبات است

آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم رحمه‌الله در طول دوران زعامت خود، همواره بر این نکته تأکید داشتند که اسرائیل یک رژیم تروریستی اشغالگر است که لزوم مقابله و از میان بردن آن از اهم واجبات است و همه مسلمانان در انجام این امر خطیر مسئول می‌باشند.

ایشان در سال ۱۹۴۸ با ارسال پیامی به سازمان ملل متحد، نسبت به شناسایی اسرائیل از طرف آن سازمان جهانی اعتراض و آن را محکوم کردند.

آیت‌الله‌العظمی حکیم رحمه‌الله بر خلاف نگرش عمومی که قضیه فلسطین را یک قضیه عربی محض می‌دانست، با تأکید بر رهایی فلسطین که جزء لاینجزای دارالاسلام می‌باشد، همواره بر اسلامی بودن این مسئله تأکید می‌ورزیدند.

ایشان راهکار منطقی جهت خلاصی امت اسلام از رژیم نژادپرست صهیونیستی را در توجه به خداوند و پیروزی از فرامین الهی می‌دانستند که به‌وسیله تمسک زایدالوصف به تعالیم رهایی‌بخش اسلام و التزام عملی به برنامه‌های انسان‌ساز آن، بستر مناسب جهت از بین بردن اسرائیل فراهم می‌شود. ایشان با تبعیت از آیه شریفه «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیرو اما بانفسهم»، تنها راه آزادی فلسطین را توجه فزاینده به معنویات و خودسازی می‌دانستند که بی‌شک سهم حاکمان را در این فرآیند مهم، بیش از دیگران می‌شمردند.

معظم‌له در پیامی که به سازمان کنفرانس اسلامی در عمان (پایتخت اردن) در ۱۳۴۶ ارسال کردند، بر این نکته زیر بنایی تأکید نمودند که راه حل منطقی قضیه فلسطین در اتحاد مسلمانان و در اتخاذ موضعی مستحکم که در پافشاری فزاینده جهت پاکسازی سرزمین مقدس اسلامی از تجاوز اشغالگران متبلور می‌شود و نیز اعلان مخالفت با هرگونه موضع سازش‌کارانه‌ای در ارائه راهکارهای منصفانه در پذیرش رژیم اشغالگر قدس، عزم و اراده راسخ خود را در دفاع از سرزمین غصب‌شده فلسطین به منصه ظهور رسانند.

از دیدگاه آیت‌الله‌العظمی حکیم رحمه‌الله بهترین مکانیسم حل مشکلات فلسطین در مبارزه با اسرائیل و اخراج آن از دارالاسلام، به‌وسیله نیروی مسلح – که بدون تردید عملی‌تر از تمسک به طرق سیاسی حل و فصل اختلافات است – می‌باشد و پرواضح است که در پیش گرفتن سیاست اخیر، ثمره‌ای جز زیان‌کاری و از دست دادن سرزمین مقدس فلسطین، چیز دیگری به ارمغان نخواهد آورد (همان‌گونه که اکنون به‌طور شفاف شاهد آن هستیم) جالب اینکه ایشان راجع به کسانی که در جبهه با اسرائیل کشته می‌شوند، آیا می‌توان آنان را شهید قلمداد کرد یا خیر؟ عقیده دارند: چنانچه فردی برای یاری مسلمانان به جبهه رود، حتی اگر نماز نخواند، در ردیف شهداء به‌شمار خواهد رفت. همان‌گونه که بیان شد، ایشان راه نجات و پیروزی امت اسلام را در اتحاد آنان می‌دانستند و بر این اساس پس از شکست اعراب در ۱۹۶۷ با فراخوانی سفیر ایران در عراق(مهدی پیراسته) این نکته را به وی گوشزد کردند که ضرورت همکاری دولت ایران و همگرایی دولت‌ها و ملت‌های اسلامی برای نجات و آزادسازی سرزمین اسلامی از چنگال دشمنان اسلام، از اهم واجبات به‌شمار می‌رود.

ایشان با تأکید بر این موضع خود، اضافه می‌نمایند که برای یهودیان هیچ چیز غیر از مصلحت و منفعت خود ارزش ندارد و آنان هیچ‌گونه احترامی برای مقدسات اسلامی قائل نیستند و دقیقاً بر این اساس مسلمانان را جهت حفظ مقدسات خود، به مقاومت و عکس‌العمل مناسب فرا می‌خواندند که محققاً لازمه آن، تمسک به اسلام و تعالیم الهی و خودسازی معنوی می‌باشد.

ایشان در جواب نامه برخی از ایرانیان مبنی بر اینکه موضع مناسب مسلمانان در قبال آتش زدن مسجدالاقصی چیست؟ بیان می‌دارند: «همه مسلمانان باید با تمام قوا تلاش نمایند تا قدس شریف و سرزمین‌های اشغالی را از سلطه کفار و صهیونیست‌ها آزاد نمایند و از مقدسات اسلامی خود دفاع کنند.» ایشان موضع ایران زمان شاه منحوس را در شناسایی اسرائیل محکوم می‌نمایند و کشورهای اسلامی را به اتحاد و یکپارچگی بیشتر دعوت می‌نمایند. نظر معظم‌له درباره عضویت در سازمان‌های فلسطینی بسته به دو شرط رهبری حکیمانه این سازمان‌ها و عدم اضرار به مصالح مسلمانان، مشروع می‌باشد.

فتوای ایشان راجع به توسل به عملیات انتحاری که به‌وسیله سازمان آزادی‌بخش فلسطین سازماندهی می‌شد و میزان انطباق آن با موازین شرعی، این است که: «اگر شخصی قادر به عضویت در این سازمان‌ها شود و همچنین توانایی همکاری با آنان را داشته باشد، درصورتی‌که رهبری این نهادها حکیمانه باشد و ضرری از انجام عمل شخص برمسلمین مترتب نشود، این کار بر وی واجب می‌باشد.»

نظر معظم‌له در تخصیص زکات برای پشتیبانی از جنبش‌های فلسطینی در مقابله با رژیم اشغالگر صهیونیستی، به این شرح تبیین گردیده است:

«کاری که فدائیان انجام می‌دهند، از افضل اعمال است. خداوند آنان را یاری دهد و دشمنان اسلام را نابود نماید. از اعمال راجح و برتر، کمک و پشتیبانی از آنان به‌وسیله زکات می‌باشد؛ زیرا مصرف کردن زکات در راه مبارزه با صهیونیسم در واقع مصرف کردن آن در راه خداوند است؛ بلکه از بهترین راه‌های ممکن برای جلب رضای خداوند می‌باشد.»

مطلب مهم دیگر، موضع قاطع ایشان در محکوم کردن دولت پهلوی به‌علت شناسایی رژیم صهیونیستی است. ایشان با ارسال پیامی برای نماینده خود در ایران (آی‌الله بهبهانی) از محکوم کردن این عمل زشت و ناپسند دربار پهلوی به‌وسیله خود و مسلمانان خبر داده و از ایشان می‌خواهد که به مسئولان دولت وقت، درباره رعایت واجبات اسلامی و احترام گذاردن به احساسات مسلمانان تذکر دهد.

نامه تاریخی حضرت آیت‌الله محسن حکیم رحمه‌الله به شاه ایران درباره قضیه فلسطین متن کامل نامه آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم رحمه‌الله به شرح زیر است:

جناب آقای محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران

سلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

قطعاً حضرت‌عالی از جزئیات حوادث مصیبت‌بار دیار مقدس فلسطین و ویرانی‌هایی که یهودیان و دشمنان اسلام و مسلمین در آن به‌بار آورده اند، باخبر شده‌اید. درحالی‌که از حکام و سران مسلمان می‌خواهیم که براساس وظیفه اسلامی خود در قبال این مصیبت اسفناک موضع گیری کنند، در عین حال به‌ویژه از حضرت‌عالی امید می‌رود که به امور رسیدگی کنید و به قضایای اسلامی و مشارکت فعال در پشتیبانی از برادران مسلمان‌تان در سرزمین‌های مقدس فلسطین علیه متجاوزگران و حفظ حقوق مشروعشان اهتمام بورزید و پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های‌تان را در راه پیروزی این کشور اسلامی به‌کار بگیرید. اخیراً اظهارات مقامات مسئول ایرانی درباره این مصیبت که در آنها از برادران مسلمان خود پشتیبانی وحمایت کرده بودند، باخبر شدیم و موجبات تقدیر و دعای ما را فراهم آورد؛ اما امید بیشتر ما به شما، اتخاذ مواضع مقاوم‌تر و تلاش مستمر در راستای پیروزی اسلام و مسلمین در این نبرد را ایجاب می‌کند. خداوند ما و شما را در هر آنچه که صلاح دنیا و آخرت در آن قرار دارد، موفق گرداند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمه‌الله

مسلمانان تذکرات روحانیت درباره جنایات رژیم غاصب را جدی بگیرند

ایشان برای کمک به مردم مظلوم فلسطین، مبالغی را جمع‌آوری و به آن سرزمین می‌فرستادند.[۱] همچنین از کمک غیرمادی به آوارگان فلسطینی نیز غافل نبود.[۲] ساواک در ۱۰ تیر ۱۳۴۶ در این باره گزارش داد:

موضوع: آیت‌الله شهاب‌الدین مرعشی نجفی

«طبق اطلاع، نامبرده بالا اخیراً نامه‌هایی جهت چند نفر از روحانیون مقیم همدان به اسامی آیت‌الله آخوند ملاعلی [معصومی همدانی]، آیت‌الله [سید نصرالله] بنی‌صدر، آقای [حاج شیخ علی] دامغانی، آقای [میرزاطاهر ربانی] شاهنجرانی و شیخ رضا انصاری ارسال داشته که متن آن‌ها یکی بوده و از نامبردگان خواسته که با یهودیان مبارزه نمایند و حسابی هم، در بانک برای شهدای مسلمین در جنگ اعراب با اسرائیل افتتاح گردیده و در خاتمه از مردم درخواست کمک شده است. ملاحظات ـ خواهشمند است دستور فرمایید، ضمن انعکاس هرگونه اطلاع مکتسبه در این زمینه، با ارسال نامه‌هایی (به همدان) به‌نحو غیرمحسوس در این‌باره تحقیق و نتیجه را اعلام نمایند.»[۳]

در پی جنایت‌های اسرائیل، در ۳ تیر ۱۳۴۶ آیت‌الله مرعشی نجفی رحمه‌الله با صدور پیامی، اعلان عزا کردند و برگزاری جشن در روز میلاد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را تحریم نمودند. در این پیام آمده بود:

بسمه تعالی

«یفرح هذا الوری بعیدهم ونحن اعیادنا مأتمنا»[۴]

به‌مناسبت جریحه‌دار بودن قلوب مسلمین از حوادث اخیره و عزادار بودن بازماندگان مقتولین از آن‌ها، شایسته است برادران دینی برای اظهار همدردی با مصیبت‌زدگان و آسیب‌دیدگان مسلمین از دست ملت منفور (اسرائیل)، تظاهر به جشن و چراغانی در روز مولود مسعود پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ننمایند و حقیر هم در یوم مذکور از جلوس خودداری خواهم نمود. از خداوند متعال درخواست فتح و فیروزی برای برادران مسلمان نموده و خذلان طائفه یهود را خواهانم.

شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی. (۱۵ربیع‌الاول ۱۳۸۷)[۵]

ایشان در ۲۱ خرداد همان سال و با بروز جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل، بار دیگر با صدور اعلامیه‌ای به جنایت‌های صهیونیسم جهانی واکنش نشان دادند. در این بیانیه آمده بود:

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاءٌ عند ربهم یرزقون﴾

همان‌طور که مقام شامخ روحانیت پیش‌بینی می‌کرد و خطر یهود را مکرراً گوشزد مسلمانان می‌نمود، این پیش‌بینی و دوراندیشی جامه عمل به خود پوشید و ضایعه مولمه؛ یعنی حوادث اخیر را به‌بار آورد. این فاجعه موجب تأثر شدید کلیه مسلمانان و بالخصوص علمای اعلام گردید و روحانیون ایران، تجاوز ظالمانه اسرائیل را بر برادران مسلمان شدیداً تقبیح نموده و از خداوند متعال درخواست می‌نمایند که کید و مکر آنان را بر خودشان برگردانده و مسلمانان را نصرت و یاری فرماید. امید از برادران دینی چنان است که از هر نوع کمک و ارتباط با ملت یهود خودداری نموده و از کمک مادی و معنوی به آسیب‌دیدگان و بازماندگان مسلمین دریغ نفرمایند «ان تنصروا الله ینصرکم» و رجاء آن داریم که این پیش‌آمد ناگوار، موجب بیداری بیشتری برای مسلمانان و توجه آنان را به تذکرات روحانیت فراهم آورد و به‌جهت اعتلای اسلام و حفظ احکام و قوانین قرآن شریف، وحدت و اتفاق خود را «حفظ بفرمایند. ﴿واعتصموا بحبل الله جمیعا ولاتفرقوا﴾

حرره الداعی شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی/ (۲ ربیع المولود ۱۳۸۷)[۶]

ساواک مشهد درباره این اعلامیه گزارش داد: «به‌مناسبت جنگ اعراب و اسرائیل سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی شدیداً اظهار تأسف نموده، سپس برای شهادت شهدای عرب در جنگ مذکور، مجلس ختمی روز ۲۶ خرداد از ساعت ۳ الی ۶ بعدازظهر در مسجد امام در قم ترتیب داده است. این روحانی ضمن اعلامیه‌ای از عموم طبقات مختلف دعوت کرده است که در این مجلس شرکت کنند. ضمناً طی اعلامیه دیگری از قاطبه مردم تقاضا کرده است که هرکس به‌اندازه قدرت و استطاعت، به بازماندگان شهدای عرب کمک کرده وجوهات خود را به حساب شماره ۱ بانک صادرات واریز کنند.»[۷]

• پی‌نوشت‌ها

۱. آیت‌الله‌العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، جلد دوم، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱؛

۲. همان، ص ۱۲۹؛ ۳. همان، ص ۵۵؛

۴. دشمن تبهکار و ستمگر اعیادش را جشن می‌گیرد؛ درحالی‌که در سایه تجاوزات ظالمانه او عیدهای مسلمین به عزا تبدیل شده است؛

۵. آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، همان، ص ۵۳؛

۶. همان، ص ۴۳؛ ۷. همان، ص ۳۵.